

## برنامه شما پس از وقفه ای یکساله در زندگی چیست؟

# روزی که زنگ پایان کرونا به صدا درآید

یوسف حیدری  
گزارش نویس

## گزارش نویسنده

بگذرانند: «به پچه‌ها این مدت بیشتر از ما سخت گذشت و سال‌ها توانستند مدرسه باز کنند.»  
برنامه برانونه هم برای درخ خودش جالب است: «وقتی پایان کرونا اعلام شد سوار اتوبوس می‌شوم و بدون دیدن کسی دستم را ضد عفونی می‌کنم و سر راه سنگ می‌خرم و با همان دستی که میله اتوبوس را گرفته‌ام تکیه می‌کنم و می‌خورم. قبل از کرونا همیشه این کار را می‌کردم و فکر نمی‌کردم یک روز هم‌همه برای من آرزو شود.»  
شقایق عاشق ورزش و سفر است و با همسرش فرهادی هم برای بعد از کرونا

دارد: «خیلی از سفرهایی که برنامه ریزی کرده بودیم با کرونا لغو شد. من و همسرم تصمیم داریم بعد از کرونا ۲۴ ساعت رگباری کافه و رستوران برویم و بعد بزیم به جاده شمال و از همان جا برویم سمت جنوب. علاوه بر این می‌خواهم دوباره ورزش را شروع کنم و با خیال راحت باشگاه بروم.»

آزاده می‌خواهد همان زندگی اجتماعی معمولی را که قبل از کرونا داشت ادامه دهد و معتقد است این دغدغه زندگی معمولی برای همه و در همه عرصه‌ها معنای دیگری خواهد داشت. برنامه ندامت برای بعد از کرونا پفک خوردن در خیابان است: «تفریح خیلی از مردم خرید کردن و رفتن به رستوران است ولی من ترجیح می‌دهم با خیال راحت در خیابان قدم بزنم و پفک بخورم.» برنامه سیمه متفاوت است. او اسفند

سال گذشته پدرش را از دست داد و کرونا اجازه نداد برای آخرین بار او را آغوش بگیرد: «وقتی کرونا تمام شود می‌روم بهشت زهرا و سنگ مزار پدرم را در آغوش می‌گیرم. وقتی رفت، کرونا نگذاشت او را به آغوش بکشم و حسرت این آغوش همیشه روی دلم می‌ماند. شاید این خواسته عجیب باشد اما برای آن روز لحظه شماری می‌کنم.»

رضا پرستار بیمارستان است و از ابتدای شیوع کرونا با همه وجود به بیماران خدمت کرده است. او هم حسرت یک دل سیر در آغوش کشیدن پسرش را دارد: «خیلی از پرسنل کادر درمان

نمی‌توانند عزیزانشان را در آغوش بگیرند و معمولاً به میهمانی هم نمی‌روند. روزی که همه بیمارستان‌ها خالی از بیمار شود وقتی به خانه برگردم، پسر مرا محکم در آغوش می‌گیرد.»

تینا می‌گوید: «بعد از کرونا یک روز تمام بدون ماسک در خیابان‌ها قدم می‌زنم تا شاکش از نفس بیفتم. ۱۰ ماه است ماسک می‌زنم و برای برداشتن آن لحظه شماری می‌کنم.»

کافه و رستوران برنامه روتین مبنا قبل از شیوع کرونا بود. می‌گوید: «آن روزها بدون ترس و نگرانی با دوستانم کافه می‌رفتم و هر هفته برنامه رستوران داشتیم اما از اسفند سال گذشته همه این برنامه‌ها تعطیل شد. دلم می‌خواهد بعد از کرونا به همه کافه‌های تهران سرزنم».

زہرا ہم می گوید: «عزیزانم را بغل می کنم و دورشان می گردم. سفر می روم و سعی می کنم بیشتر از فرصت

«کوتاه زندگی بهره ببرم: «کرونا تلنگری  
بود برای همه ما تا بیشتر قدر زندگی را  
ببدانیم. کرونا باعث شد بفهمیم فرصت  
کمی داریم و باید از همه لحظات زندگی  
به بهترین شکل استفاده کنیم.»

برنامه‌نگار برای بعد از کرونا سفر و در آغوش گرفتن پدر بزرگ و مادر بزرگ است: «یک سالی هست که پدر بزرگ و مادر بزرگم را ندیده‌ام. دلم برای آنها و نشستن کنارشان تنگ شده. دوست

دارم بدون ترس و نگرانی پدر بزرگ و مادر بزرگم را محکم بغل کنم.»

مهم‌سا حساب روزهایی را که عروسی و جشن تولد نرفته دارد و می‌خواهد حسابی جبران کند: «خیلی وقت است از ته دل نخندیده‌ام و خبر خوب شنیده‌ام. از تلویزیون دائما خبر مرگ و تعداد بستری‌ها اعلام می‌شود و همین

مردم را بیشتر می ترساند. روحیه مردم خیلی خراب است. قبل از کرونا معمولاً همه جشن های عروسی و تولد را

نمی‌رفتم اما به همه گفته‌ام بعد از کرونا هر کسی که دعوت‌م کند با کله می‌روم.»

برنامه مسعود انجام کارهای عقب افتاده است، بودن کنار کسانی است که کرونا فرصت همنشینی با آنها را از

او گرفته است: «یک لیست بلند بالا از کارهای عقب افتاده تو یکسال گذشته دارم که بعد از کرونا می‌خواهم انجام بدهم. بعد از آن هم سر زدن به عزیزانی است که این مدت نتوانستم کنارشان باشم.»

محمد معتقد است کرونا باعث شده همه ما دیگر آن آدم سابق نباشیم و نگاه ما به زندگی تغییر کند: «(بعد از کرونا بدون ماسک می‌روم خیابان و از شادی مردم لذت می‌برم. شک ندارم نگاه همه ما به هم و زندگی فرق کرده.

ما دیگر آن آدم گذشته نیستیم.»  
نسیم از برنامه سفر بعد از کرنا می گوید  
و اینکه چقدر این روزها دلش برای  
مادرش تنگ شده: «یک سال است که

مادرم را بغل نکرده‌ام؛ می‌خواهم بعد از کرونا حسای بغلش کنم و ببوسمش. عید نوروز هم قرار بود با همسرم برویم سفر که نشد و منتظریم ببینیم کرونا ما روبه کجا می‌کشاند.»

چرا خیلی از این برنامه‌ها به رستوران و سفر و دیدن نزدیکان خلاصه می‌شود؟ دکتر اردشیر گراوند جامعه شناس معتقد است کرونا باعث شد تا نیازهای اساسی یک زندگی سالم به خطر بیفتد و به همین دلیل سلامت بالاتر از خوراک،

پوشاک و تفریحات قرار گرفت، اما این جامعه‌شناس هم مثل بقیه منتظر زنگ پایان کروناست: «من هم مثل خیلی از مردم منتظر پایان کرونا هستم. قبل از کرونا هفته‌ای دو روز میهمان داشتم و خانه دوستان و اقوام می‌رفتم یا در دفتر کارم میزبان دوستانم بودم و حالا همه این برنامه‌ها تعطیل شده. بنابراین بعد از کرونا تا جایی که می‌توانم میهمانی می‌دهم و از زندگی لذت می‌برم.

کرونا سیستم زندگی خیلی از مردم را تغییر داد و سبک زندگی بعد از این متفاوت خواهد بود. خوراک، پوشاک، مسافرت، آموزش، اوقات فراغت و سلامت ارکان اصلی یک زندگی هستند اما آمدن کرونا سلامت داراویوت قرار گرفت و دیگر ارکان زندگی به خطر افتادند. اگر دقت کنید خیلی از مردم مثل گذشته تمایلی به خرید پوشاک ندارند چون خرید لباس محسوب می‌شود. به همین، عروسی یا سفر است. اینکه خیلی از مردم دلشان برای درآغوش کشیدن عزیزانشان تنگ شده هم یک دلنگی مطلق است که می‌تواند روح و روان آنها را از هم جدا کند. به همین بوسیله کرونا با دست دادن یا دوست می‌تواند بخشی از نیاز عاطفی انسان را برطرف کند. کرونا باعث شد تا عافیه، سفر و عشق ورزیدن به هموع به تأخیر بیفتد. به همین دلیل همه منتظر پایان کرونا هستند.

خیلی از مردم مثل  
گذشته تمایلی به  
خرید پوشاک ندارند  
چون خرید لباس  
محصول رفتن به  
میهمانی، عروسی  
یا سفر است. اینکه  
خیلی‌ها دلشان  
برای درآغوش  
کشیدن عزیزانشان  
تنگ شده هم یک  
دلتنگی منطقه  
است که می‌تواند

روح و روان آنها را  
آرام کند. همین  
بوسیدن کودک  
یا دست دادن با  
دوست می‌تواند  
بخشی از نیاز  
عاطفی انسان را  
برطرف کند. کرونا  
عاطفه، سفر و عشق  
ورزیدن به همونوع  
به تأخیر انداخت،  
به همین دلیل همه  
منتظر زنگ پایان  
هستند

برای کسب اطلاعات بیشتر از قوانین قرعه‌کشی و برندگان جوایز این کد را اسکن کنید.

# ۳۲ نفر به قید قرعه

تم جایزه



## با تو خاطره داریم

# جشن ۶۳ سالگی کفش ملی

